

جلی‌های زور گیر

همه اینها می‌تواند زمینه‌ساز بداخلاقی و ناهنجاری اجتماعی باشد؛ آنها خودشان بدون داشتن تعریف منطقی از یک شغل، با دست خودشان زمینه را برای بروز ناهنجاری اجتماعی ایجاد کرده‌اند.

به گفته توفیقی، گام بعدی این است که روشن شود روش بهتری برای مدیریت و کسب درآمد شهرداری وجود دارد؛

ناکاهان همان‌ها که مقصر ایجاد یک شغل این چنینی بوده‌اند. تصمیم می‌گیرند این شغل را غیرقانونی اعلام کنند، پلیس هم اینها را غیرقانونی می‌داند؛ می‌آیند می‌گویند: «شغل پارکبانی ممنوع». او تأکید می‌کند: خب؛ ممنوع؛ اما ضرورت و ضمانتی هم وجود دارد که اگر صاحب خودرو چنین پولی را نبرداخت و وقتی برایش قائل نشد، جریمه نشود؟ خودرویش در امنیت و سلامت است؟ ... واقعیت این است که باید به تک‌تک این موضوع‌ها فکر کرد.

به گفته این فعال کارگری کنار همه اینها باید به این هم فکر کرد که این پارکبان‌ها همه از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیرند و به هر حال مدیریت نادرست این شغل از ابتدا امید کم‌رنگی را در دل اینها زنده کرد که حالا کور می‌شود. واقعیت این است که باید به مدیریت این شغل فکر کرد.

صرف اینکه بیایند و یک خط قرمز بکشند که از امروز این شغل حذف؛ خب؟ آیا این اتفاق رخ می‌دهد؟ خیر. آیا زمینه برای حذف این شغل فراهم است؟ خیر. پس باید این وضعیت را نظم‌بخشی کرد. توفیقی می‌گوید: مسئولان باید به جای اینکه دنبال مشاغل غیرمولدی که به دلیل کمبود شغل ایجاد می‌شوند، باشند، به فکر این موضوع باشند که زمینه را برای ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی فراهم نکنند. باید برای اینها یک مدیریت دقیق ایجاد کرد. در واقع مسئله را حل کنیم؛ نه اینکه صورت مسئله پاک شود.

این شغل از آسمان حلول نکرده

علی خدایی، عضو کارگری شورای عالی کار هم در همین‌باره به «شرق» توضیح می‌دهد: شغل پارکبانی که ناگهان از آسمان حلول نکرده است؛ هر کدام هم سرخود بلند نشده‌اند، به خیابان بروند و یک قبض دستشان بگیرند و پارکبانی کنند؟ اینها از جایی سازمان‌دهی شده‌اند؛ یعنی شرکت‌های پیمان‌کاری وجود داشته‌اند که با قراردادهایی با شهرداری‌ها یا پلیس راهور، موضوع پارکینگ‌های خیابانی را مدیریت می‌کنند. او ادامه می‌دهد: برخی هم البته ممکن است خودش و بدون قبض این کار را انجام دهند که این کار قطعا تخلخل است و باید با آن برخورد شود. اما نکته مهم در این روند این است که بالاخره باید رسیدگی شود فردی که به اینها این مجوز را داده، از کجا این توان را داشته است؟

به گفته این فعال کارگری، در روزهای گذشته نکته‌ای که مدام در شبکه‌های اجتماعی چرخیده است این بوده که موضوع امنیت خودروهای افراد چه می‌شود؟ خب باید اکنون پرسیده شود پس وظیفه نیروی انتظامی کشور چه خواهد شد؟ مگر نه اینکه وظیفه نیروی انتظامی تأمین و حفظ امنیت مردم و دارایی‌های مردم است؟ اما راجع به آنهایی که به عنوان کارگر با شرکت‌هایی برای این کار قرارداد دارند، اگر شغل غیرقانونی اعلام شود، در مراجع و هیئت‌های تشخیص، توجه به اینکه یکی از ملاک‌های رسمیت‌داشتن قرارداد، قانونی‌بودن موضوع قرارداد است، این قراردادها هم می‌توانند ملغی شوند.

خبر ویژه

اسنپ در مشهد آغاز به کار کرد



● امروز، با گذشت حدود سه سال از تأسیس اسنپ، این شرکت به بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کسب‌وکار آنلاین در ایران تبدیل شده است. تیم اسنپ، پس از گسترش ناوگان خود در کلان‌شهرهای تهران، کرج، اصفهان و شیراز و سرویس‌دهی به میلیون‌ها مسافر و اشتغال‌زایی برای ده‌ها هزار کاربر راننده، این بار قصد دارد سرویس‌دهی خود را به شهر مشهد ببرد. به گزارش روابط‌عمومی اسنپ، به مناسبت آغاز رسمی کار اسنپ در مشهد، برای شهروندان ساکن این شهر تخفیف ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. برای استفاده از این فرصت، کافی است کد تخفیف mashhadsalam را وارد کنید. سفر اول کاربران ساکن مشهد که از این کد تخفیف استفاده می‌کنند، تا سقف ۱۵۰ هزار ریال رایگان محاسبه خواهد شد.

انتقاد رضاقلی از مدل‌سازی تحول اقتصادی بدون در نظر گرفتن بسترها

بعضی اقتصاددانان فکر می‌کنند اینجا آمریکاست

مؤسسه دین و اقتصاد از کتاب داگلاس نورث با عنوان «فهم فرایند تحول اقتصادی» رونمایی کرد



دکتر دواتل‌الله نورزی

اینجا برای اینکه ناامنی‌ها را چاره کنند، نهادسازی کردند. یکی از این نهادها که ایرانی‌ها ساختند، درهای دوکوبه‌ای برای خانه‌هاست، کوبه مردانه و زنانه. نام کوبه مردانه «لنگر» و کوبه زنانه «حلقه» بود. نهادسازی شد و شکلی به آن دادند که تا جای ممکن حریم‌ها را محفوظ کنند و امنیت را افزایش دهند. پس برای جریان عدم اطمینان، نهادسازی کرده‌اند. در شکل سیاسی اگر در نظر بگیریم، در تاریخ ایران از این موارد زیاد است. به اقباطان بستگی داشت که رئیس ایل یا شاهزاده‌ای با چه ویژگی‌هایی به سلطنت برسد و چه کار کند. این همه نهادسازی‌ها که هنوز جا نیفتاده و در دوران جدید به ما منتقل شده، برای این است که رفتار سیاسی دولتمردان را از قالب شیوه‌های شخصی و علایق شخصی و نفسانیات آنها در قالب قانون می‌ریزم. چیزی که هزاران سال نداشتیم، این یعنی ناامنی که یک نفر مثل نادرشاه می‌آید و می‌گوید مالیات بگیرد و اگر نپردازند، زن و بچه‌شان را به جای مالیات بردارید. امروز این را در چارچوب قوانین و نهادهای متوقف کرده‌ایم. حالا اگر کسی مالیات ندهد، جریمه می‌شود یا جلوبی کسب‌وکارش گرفته می‌شود. یعنی از غارت‌کردن به مقررات و چارچوب زندگی رسیده‌ایم.

امر اقتصادی، سیاسی واجتماعی درهم‌تنیده‌اند

فرض سوم این است که می‌گوید امر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در هم تنیده هستند. چیزی که اقتصاددانان ما نمی‌خواهند بپذیرند که فعالیت اقتصادی در زمینه‌ای انجام می‌شود که آن زمینه اگر همراهی نکند، نمی‌تواند انجام شود؛ یعنی بانک وقتی کارایی بانک دارد که نگذاریم دزدان حرفه‌ای بانک تأسیس کنند. پرتولت برشت می‌گوید دزدها دو قسم هستند، یکی دزدان حرفه‌ای که برای دزدی بانک تأسیس می‌کنند و دیگر دزدان ناسوار که به بانک‌ها حمله می‌کنند که پول سرقت کنند. زمینه بیرون است که اجازه دزدی می‌دهد یا نمی‌دهد و اجازه تأسیس بانک می‌دهد یا نمی‌دهد. من هزاران میلیارد پول شما را در بانک جمع می‌کنم و به چند نفر وام می‌دهم و آنها هم پس نمی‌دهند. اینها از قبل هم تصمیم به این کار گرفته بودند. الان تکلیف چیست؟ وقتی گفته می‌شود امر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی درهم‌تنیده هستند؛ یعنی قوه سیاسی بالا باید عزمش جزم باشد و بتواند از این اتفاقات جلوگیری کند. اگر با اینها به نحوی در دادوستد باشد، نمی‌تواند. در نتیجه اقتصاددان‌ها هرچه قوانین پول را بگویند که پول در فلان شرایط این‌طور و آن‌طور خواهد شد، فایده‌ای ندارد؛ چون تا داور مستقل و محکم وجود نداشته باشد، تا قوه سیاسی متمایل به اجرای قوانین نباشد، تا گروه‌های مردمی که از این قوا حمایت کنند نباشد، قوانین هیچ‌گونه کارایی ندارند. از طرفی، نهادهایی که می‌سازیم، از جهتی محور انگیزشی یا ضدانگیزشی فعالیت‌های ما در جامعه می‌شود؛ یعنی این نهادهای اجتماعی هستند که به ما می‌گویند برو دزدی‌کن، بانک تأسیس‌کن، کارخانه بساز، تولیدات کشاورزی داشته باش یا فعالیت‌های دیگر انجام بده. در این نهادها مندرج است که من کارشکنی کنم، بهتر پول می‌گیرم و ارتقا می‌یابم یا کار درست کنم. در کدامش به من مزه بیشتری داده می‌شود؟ اگر به کارشکنی مزد بیشتری داده شود، بالاخره تعداد کارشکن‌ها بیشتر می‌شود. اگر به کسانی که کار درست می‌کنند، مزد بیشتری داده شود، مشوق می‌شود که درست‌تر کار انجام دهند. نکته بعدی این است که اهمیت نهادهای این است که ساختار انگیزشی و ضدانگیزشی جامعه را برای شما طراحی می‌کنند. نکته بعدی در مفروضات است، به این معنی که انسان یک موجود تکاملی و در پی کاهش اطمینان‌داشتن است. نورث تقریباً در همه کتاب‌هایش دنبال این نظریه است که انسان دنبال تکامل بوده و به دنبال آن است که اطمینان‌داشتن را کاهش و نظم را افزایش دهد. اینجا به پرتو ادراکات و انتخابات اشاره می‌کند. ادراکات و انتخابات از باورهای بازنگران سرچشمه می‌گیرد. ذهن شما تحت مقوله کار می‌کند و با انبسان فرهنگی تاریخی که به ارث برده‌ایم، هم می‌بند و هم تفسیر می‌کند. در نتیجه مجموعه باورهای انباشته‌شده هر گروهی با توجه به تجربیاتی که در سرزمین خودش دارد، با هم فرق می‌کند و در نتیجه با دریافتی که می‌کند و می‌خواهد تفسیر کند و عکس‌العمل نشان دهد، باز هم فرق می‌کند. یکی از مفروضات دیگر میراث فرهنگی است که می‌گوید بدون توجه به اینها امکان ندارد بتوانیم کار جدی انجام دهیم. نکته جالب دیگر این است که می‌گوید تمام یادگیری انسان و تجاربش در زبان و حافظه بشر و نظام‌های ذخیره نمادها و نشانه‌ها شامل باورها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و شیوه انجام امور، تجسم پیدا می‌کند که ما به آن فرهنگ می‌گوییم. پشت فرض آن، این نهفته

بخواید وارد نظام اقتصادی ایران شود، سؤالاتی در مقابلش است که شامل بی‌نظمی، هرج‌ومرج، نبود حقوق مالکیت و سخت‌تن‌دادن به قوانین و مقررات و ... است. نورث می‌گوید اقتصاددانان زمینه‌های اقتصادی را هم بررسی کنند که اگر آنها سامان نگیرند، قطعا اقتصاد سامان نمی‌گیرد. کسانی که می‌خواهند به اقتصاد ایران بپردازند، این پیام را داشته باشند: «تا زمانی که به فهم فرایند تحول اقتصادی نپردازیم، به نحوی سودمند قادر به مدل‌سازی تحول اقتصادی نیستیم. یک مدل مطلوب متضمن فهم جامع پیشینی از عوامل پیچیده سازنده فهم فرایند تحول اقتصادی است و پیش‌نیازی ضروری است که در اقدام شتاب‌زده اقتصاددانان در مدل‌سازی تحول و رشد اقتصادی مغفول است». این را یک نوولیسیت می‌گوید. بعد می‌گوید تغییرات اگر رخ دهد، باید در کمیت و کیفیت جوامع بشری و ذخیره دانش بشری باشد. دانش را ضرورتاً دانش تخصصی نمی‌بیند. کل دانشی را در بر می‌گیرد که به صورت تجربی اندوخته‌ایم و می‌توانیم زندگی‌مان را با آن راه ببریم. بخشی از ذخیره دانش مربوط به کنترل طبیعت و بخشی مربوط به کنترل تعاملات بشری است. ایرادی که به کتاب نورث در درس‌های خشونت می‌گیرم، این است که ۳۰ شهر را بررسی کرده؛ اما سکوی پروازشان را مشخص نکرده است. فرض کنیم دو کشور که با هم مقایسه می‌کنیم، ذخیره دانش، استقلال قسوه قضائیه و مرام‌های جمعیتی‌شان خیلی با هم تفاوت دارد. در اواخر کتاب دو راه‌حل می‌دهد که چ‌طور می‌توانیم منفذی برای فرار از خشونت پیدا کنیم. ارزان‌شدن هزینه کسب اطلاعات و دیگر اینکه تحولاتی که در کشورهای دیگر رخ داده، محرک واقع شود تا جماعت‌ها راه بیفتند. این دو واقعی است. به یک جمع‌بندی می‌رسد که

یام‌مدیری اقتدارگرا، فهمیده و علاقه‌مند باید جامعه وامانده را از این مسیر راه ببرد یا با سعی و خطا و روش‌های دموکراسی که بیشتر طول می‌کشد. پیام آخر کتاب؛ شما قبل از آنکه بتوانید عملکرد را بهبود ببخشید، باید به فهم فرایند رشد اقتصادی بپردازید و قبل از آنکه به منظور تلاش برای تغییر آن آماده شوید، باید فهمی دقیق از ویژگی‌های منفرد آن جامعه داشته باشید. سپس باید درکی از پیچیدگی‌های تحول نهادی داشته باشید تا در اجرای آن تحول مؤثر عمل کنید.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

رفتار جناحی با دیپلماسی انرژی

سیدهادی میرباقری‌خونساری
کارشناس حوزه انرژی

● هنوز امضای مدیران ارشد شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم فرانسوی-چینی و ایرانی‌ای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی به‌عنوان آخرین فاز باقی‌مانده از این میدان عظیم گازی مشترک، خشک نشده بود که مخالفان این قرارداد با روش‌های گوناگون به نقد آن پرداختند. اوج مخالفت‌ها، ارائه طرحی به امضای گروهی از نمایندگان مخالف دولت در مجلس بود که خواهان توقف و درنهایت لغو این قرارداد شده بودند. طرحی که درنهایت با پس‌گرفتن برخی از امضاهای آن، به فرجام نرسید اما نشان داد که هنوز و پس از گذشت نزدیک به یک قرن از انقلاب مشروطه و چهار دهه از انقلاب اسلامی، نه‌تنها شناخت و تعریف جامع و مانعی از منافع ملی وجود ندارد که حتی رویکردی واقع‌بینانه و غیرحزبی نیز درباره آن اتخاذ نشده است. ناگفته پیداست رقابت و حتی مبارزه سیاسی و اینکه مخالفان دولت یا حزب حاکم بگویند یا بیان ناکارایی احتمالی یا بزرگ‌نمایی نقاط ضعف دولت، قدرت را از وی سلب کنند، کاملاً پذیرفتنی است. اما در جامعه‌ای که داعیه رفتار اسلامی دارد، رقابت سیاسی تا آنجا پذیرفته است که اولاً مرزهای اخلاقی شکسته نشود و ثانیاً منافع ملی و خیر و مصلحت عمومی خدشه‌دار نشود. این دو مورد همان نکاتی هستند که متأسفانه در بسیاری از نقدهایی که در چند روز اخیر به امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با کنسرسیومی بین‌المللی- ایرانی وارد شده، رعایت نشده است.

ادامه در صفحه ۱۵

گذر

یکی از مدیران سازمان استاندارد بازداشت شد

● فارس؛ یکی از مدیران سازمان ملی استاندارد به اتهام ارتشا و فساد مالی بازداشت شد. آقای «ن.» یکی از مدیران سازمان استاندارد به اتهام فساد مالی و ارتشا بازداشت شد. گفته می‌شود فرد بازداشت‌شده دارای نسبت فامیلی با یکی از مدیران ارشد سازمان استاندارد است. به دنبال بازداشت این مدیر سازمان استاندارد، حراست این سازمان تحقیقاتی را از افراد زیرمجموعه «ن.» انجام داده‌اند.

IEON
Since 1960

The Roof



خاص باشید... فضایی متفاوت...

پاسداران، نبش بهستان هشتم، ساختمان آبتین، طبقه ۷

۲۲۷۹ ۱۲۱۹

۲۲۷۹ ۱۲۷۵